



### سلام بر حسین ۴



سید محسن ماجدی



نصرالله حدادی



علی مولیاری



محمودرضا علیمردانی



هادی استادهاشمی



علیرضا عسگری

محلہ سنگلج ساخته شد. مطالب این پرونده حاصل سی و یکمین نشست مرکز تهران پژوهی همشهری با عنوان «سقاخانه، رسم کهن مهربانی» است که با حضور نصرالله حدادی، تهران پژوه و نویسنده؛ سید محسن ماجدی، ری پژوه و مدرس دانشگاه؛ مهدی فرجی، پژوهشگر تاریخ هنر و معماری ایران و عثمانی؛ محمدحسن لی، پژوهشگر و کارشناس حوزه آب و مجری کارشناس و مهرشاد کاظمی برگزار شد. همچنین در این شماره با تهران پژوهان، علی مولیاری، علیرضا عسگری، هادی استادهاشمی، محمودرضا علیمردانی و اردشیر آل عوض از معتمدان محلی گفت و گو کرده ایم.

## همنشینی آئینه و کاشی و کتیبه با ۴ نگهبان



با آئینه کاری، کاشی کاری و کتیبه نویسی ساخته شده و برای آنکه آئینه کاری‌های داخل محراب آسیب نبینند یک در چهار لنگه جلوی آن ساخته شد. بالای در چهار لنگه، کتیبه‌هایی تعبیه کرده‌اند که نام جلاله‌الله، اسامی امامان در میان شمشه‌ها حک شده و با آیه‌هایی از سوره نور که روی کاشی‌های لاجوردی نقش بسته هماهنگی کامل دارد.

نام سقاخانه آئینه طهران در منابع مکتوب تاریخی نیز ذکر شده است. حجت بلاغی در کتاب تاریخ تهران، این سقاخانه را در فهرست سقاخانه‌های مهم پایتخت قرار داده و ساخت آن را به فردی به نام حاج میرآخور نسبت می‌دهد. شریفان به‌عنوان آخرین متولی سقاخانه می‌گویند: «پس از ساخت بنای سقاخانه در سال ۱۳۴۴ که زمینش را مرحوم خانم غریب وقف کرده بود، حاج میرآخور نخستین بانی و متولی سقاخانه بود. پس از او سیدحسین اردبیهشت، سپس سیدعلی اردبیهشت و آقای سلیمان متولی امور سقاخانه بودند.»

نام: سقاخانه آئینه طهران  
موقعیت: خیابان ظهیرالاسلام

صبح که نور خورشید به آئینه‌های سقاخانه می‌تابد، سقاخانه تاریخی خیابان ظهیرالاسلام به نگین درخشان این گذر تبدیل می‌شود. بیره نیست که نام این سقاخانه تاریخی را آئینه طهران گذاشته‌اند. شمایل حضرت عباس (ع) و هنر آئینه کاری به کاررفته در سقاخانه اگر چه در طول چند دهه اخیر تغییراتی داشته، اما هنوز هم زیبایی منحصر به فردی دارد و جلوه‌ای خاص به این سقاخانه کهن بخشیده است. قدمت سقاخانه آئینه طهران، آنطور که از نقش روی کاشی‌های فیروزه‌ای آن پیداست، به دوران قاجار و سال ۱۲۸۵ هجری شمسی برمی‌گردد. این سقاخانه اگر چه در سال ۱۲۸۵ شمسی بنا شده، اما مانند دیگر اماکن پایتخت از گزند توسعه و خیابان‌کشی‌های تهران در امان نمانده است. احمد شریفان، متولی سقاخانه، درباره تاریخچه آن می‌گوید:

«بنای فعلی سقاخانه آئینه طهران دقیقاً همان بنای قدیمی و اولیه نیست. سال ۱۳۴۴، همزمان با تعریض خیابان ظهیرالاسلام، بنای اولیه سقاخانه تخریب شد و بنای فعلی را با آئینه کاری‌های زیبا، کمی پایین‌تر از محل اصلی بنا، در دل این خیابان ساختند. بنای اولیه سقاخانه سال ۱۲۸۵، وقتی خیابان ظهیرالاسلام فعلی کوچهای خاکی بود و گذر سقاخانه نام داشت، ساخته شد. هر چند برخی می‌گویند پیش از آن نیز سقاخانه بنایی چوبی داشت و قدمت آن به ۲۵۰ سال می‌رسد.»

بنای سقاخانه در دل خیابان ظهیرالاسلام و در همسایگی مغازه‌ها، با ارتفاع ۳ متر و عرض حدود ۲ متر، یکی از بزرگ‌ترین سقاخانه‌های تهران است. شریفان درباره هنر به کاررفته در ساخت این سقاخانه می‌گوید: «روزگاری به این سقاخانه عهد قجری عنوان زیباترین سقاخانه تهران را داده بودند، چون آئینه‌های زیادی در ساخت آن به کار رفته بود و نام آئینه طهران نیز به همین دلیل برای آن انتخاب شد. سقاخانه به محرابی شباهت دارد که

محافظة قسمت چوبی مشبک شود. بانی این سقاخانه فردی به نام کبیری بزرگ بود. در سقاخانه محفظه‌ای بود، آن را بالا می‌دادند و آب را برای استفاده عابران داخل آن می‌ریختند. ظاهراً تا قبل از انقلاب همینطور از آن استفاده می‌کردند، ولی بعد از بازسازی ۲ عدد شیر آب به سمت کوچه کار گذاشتند. کنار این سقاخانه مسجد کوچکی واقع شده که بنا به گفته اهالی محل، در آن کارهای نیک بزرگی انجام می‌دهند.»

سقاخانه‌ها از دیرباز محلی برای رفع تشنگی رهگذران در کوچه و خیابان و در جوار امامزادگان بوده و در بعضی موارد بانی یا واقف داشته است. بانیان سقاخانه با نیات مختلف، مانند خیرات اموات یا ادای نذرشان آنها را می‌ساختند و از آن نگهداری می‌کردند. علاوه بر این هر ساله در ماه محرم و صفر و ایام عزاداری سالار شهیدان به رسم دیرینه و آیین گذشتگان، جلوی پنجره سقاخانه شمع روشن می‌کردند و مراسم شام غریبان می‌گرفتند. غلامرضا علیزاده، یکی از ریش سفیدان محله، درباره ارادت خاص مردم محله به سقاخانه امامزاده یحیی (ع) تعریف می‌کند: «در تمام ایام سال به ویژه شب‌های جمعه، برخی افراد که مشکلی برایشان پیش آمده و درمانده شده بودند، از مردم محله‌های دیگر گرفته تا اهالی محل، پشت پنجره مشبک سقاخانه، نیت می‌کنند و خواسته‌شان را از خدایم خواهند.»

بنا به روایت اهالی محل، قدیم‌ها نهر آب کوچکی از میان سقاخانه امامزاده یحیی و جلوان رد می‌شد که پراز ماهی‌های ریز بود و اهالی محل از این آب به‌عنوان درمان بیماری‌ها استفاده می‌کردند.



## سقاخانه ۱۹۰ ساله

نام: سقاخانه گذر امامزاده یحیی ۴  
موقعیت: چهارراه سیروس

سقاخانه امامزاده یحیی (ع)، یکی از قدیمی‌ترین سقاخانه‌های تهران، نبش کوچه تین‌نژاد، در گذر امامزاده یحیی (ع) ۱۹۰ سال عمر دارد؛ بنایی کوچک بانجره‌های چوبی مشبک که برای رفع تشنگی رهگذران تعبیه شده است و همه عابران، بعد از رفع

عطش بر سالار شهیدان سلام می‌فرستند. اردشیر آل عوض، تهران پژوه، می‌گوید: «اب سقاخانه گذر امامزاده یحیی (ع) تا قبل از آمدن آب لوله‌کشی، از قنات «میرزا محمود وزیر» تامین می‌شد و سال ۱۳۹۱ سازمان میراث فرهنگی با کمک شهرداری و سازمان زیباسازی این سقاخانه را در فهرست آثار ملی به شماره ۱۴۶۶۹ ثبت رساند و در قسمت داخلی سقاخانه که چوبی است شیشه گذاشته شد تا باعث

### سقاخانه‌ای که بانی آن یک بانو بود



نام: سقاخانه خانم  
موقعیت: چال میدان، چهارراه سیروس، بازارچه نایب السلطنه، همجوار گرمابه قبله

در روزگاری که خواهر شاه طهماسب تصمیم گرفت برای تهران کاری انجام دهد تا اهالی قریه کوچک دیروز از آن بهره ببرند و آیندگان نیز از او به نیکی یاد کنند، هیچ کس فکر نمی‌کرد که عنوان «تنها زن بانی ساخت یک سقاخانه» نصیب او شود. اما ماجرا از چه قرار بود و چطور هنوز هم نام خواهر شاه طهماسب با گذر سال‌ها زنده است؟

بعد از اینکه شاه طهماسب صفوی برای قریه کوچک همسایه‌ری حصار می‌کشد، خواهرش که همه دوستان و آشنایان و مردم او را خانم صدا می‌زدند، برای اهالی تهران ابتدا حمام می‌سازد. دلیل این کارش علاقه و اهمیت دادن برادرش به نظافت و حفظ بهداشت بود. او در کنار حمام، سقاخانه کوچکی هم بنایت سیراب کردن تشنگان و در راه‌ماندگان و غریبانی که گذرشان به تهران می‌افتاد، ساخت و در ادامه این فعالیت‌های خیرخواهانه، یک مدرسه هم تأسیس کرد.

علیرضا عسگری، پژوهشگر حوزه سقاخانه‌ها، با تعریف این روایت‌ها، اضافه می‌کند: «بیشتر بانیان ساخت سقاخانه‌ها در تهران، افراد سرشناس دربار، تجار و... بودند و همگی هم مرد، اما نام خواهر شاه طهماسب صفوی با این اقدام، به‌عنوان نخستین و تنها زنی در تاریخ تهران ثبت شد که بانی ساخت سقاخانه بود. جالب‌تر اینکه محل دور همی و پاتوق بیشتر بانوان برای راز و نیاز و همچنین ادای نذرهایشان هم همین سقاخانه بود. البته نه اینکه هیچ مردی به سقاخانه مراجعه نمی‌کرد، اما همانطور که زورخانه‌ها پاتوق آقایان بود، پای ثابت مراجعه‌کنندگان سقاخانه‌ها هم بانوان بودند.»

این تهران پژوه در ادامه صحبت‌هایش از تخریب سقاخانه خانم در تهران می‌گوید که در میان زندگی شهری گم شد. امروزه دیگر نه اثری از مدرسه خانم هست و نه سقاخانه خانم و نه آن شمع‌هایی که چراغ راه اهالی برای گذر از تاریکی بود. آنچه از خواهر شاه طهماسب به یادگار مانده، حمامی است که نامش به قیله تغییر کرده است و سقاخانه مورد اشاره در جوارش جای داشته است.